



اسلام و خستونی

بارویکرد مبتنی بر جنسیت و خانواده

محمد علی مجد فقیهی

سرشناسه	مجددقیهی، محمدعلی، ۱۳۴۲ / Majd Faghihi, Mohammad Ali
عنوان و نام پدیدار:	لام و نفی خشونت، با رویکرد مبتنی بر جنسیت و خانواده
مشخصات نشر:	ت. ب. حکمت و اندیشه، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری:	ص. ۱۰
شابک:	۹۵۳۷۰۰۸۰۶۰۰
وضعیت فهرست نویسی:	فیباز
یادداشت:	فهرست نویسد، دامل این اثر، نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی:	۳۸۵۳۷۴۳

اسلام و نفسی خوشونت
با رویکرد مبتنی بر جنسیت و خانواده



موسسه فرهنگی قرآن و عسکرت نور فاطمه زهرا (ع)

تأليف: آیت الله محمد علی مجد فقیهی

و استا. آید محمد بصام
صفحه: ۱۱ و کراف. یاسر صالحی، سید علی میرحسینی
طرح جلد: مس. به صفارنژاد

ناشر: انتشارات حکمت و اندیشه

نویت چاپ: اول بهار ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

مراکز پخش: قم، بلوار سمیه، خیابان شهید رجایی، کرچه ۹، پلاک ۳۵

موسسه نور فاطمه زهرا (ع) - تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۷۷ - همراه: ۰۲۷۵-۰۰۱۹

تهران، خ انقلاب اسلامی، بین ابوریحان و فلسطین، بن بست مهارت، خانه هنر، واحد ۱۳

انتشارات حکمت و اندیشه - تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۱۸۲۰۶

www.noorfatemah.org

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند

نظارت و کنترل فنی: موسی اسفندیاری • نظارت فنی چاپ: محسن داوری نژاد • نمونه خوانی:
سید مهدی نصیری • حروف نگاری: سید مبارک نقوی • خدمات و پشتیبانی: جبار ساریجلو

مدیر عامل موسسه

محمد جعفر بهگویی

فهرست

- ۱۷ □ سخن آغازین
- ۲۱ □ مقدمه
- فصل اول: شناخت مفهومی و ارزشی تساوی و تفاوت
- ۳۱ □ درآمد
- ۳۲ □ واژه‌شناسی
- ۳۳ □ مفهوم‌شناسی
- ۳۱ □ ارزیابی مفاهیم سه‌گانه در حوزه جنسیت
- ۳۳ ۱. تبعیض
- ۳۴ ۲. تباین (تفاوت کامل)

۳. تساوی

۳۴

فصل دوم: زن و مرد در حوزه هست‌ها (تکوین)

■ هویت مشترک

۳۹

■ همسانی‌های زن و مرد در رخداد آفرینش

۴۰

■ آفرینش همسان زن و مرد از جنبه انسانی

۴۱

■ همسانی زن و مرد در دستیابی به کمالات و اوصاف عالی انسانی

۴۳

۱. دستیابی به اندیشه و خرد ناب

۴۳

۲. دستیابی به مدیریت توانمند و جهت‌دا در ابعاد شخصیت خویش (تقوا)

۴۵

۳. دیگر صفات ارزشمند

۴۷

فصل سوم: هویت اختصاصی زن و مردان

■ درآمد

۵۱

■ تفاوت‌ها و اختلاف‌های مورد گفت‌وگو

۵۲

■ سنخ و جنس تفاوت

۵۴

■ رمز و راز این تفاوت

۵۶

۱. تداوم نسل بشر

۵۸

۲. آرامش، مودت و رحمت

۵۹

■ تفاوت‌های تکوینی دو جنس (مصادیق تفاوت)

۶۰

۱. تفاوت در عقل و عاطفه

۶۰

۲. تفاوت در جذابیت

۶۶

۳. تفاوت در برخی از ظرفیت‌های جسمی و روانی

۶۶

۶۹ ■ شیوه برخورد با تفاوت‌ها

۷۰ ۱. برخورد نگرشی

۷۱ الف) آیات قرآن

۷۳ ب) روایات

۷۶ ۲. برخورد احساسی و عاطفی با تفاوت

۷۸ ۳. برخورد رفتاری

فصل چهارم: پیشگاه اسلام در برقراری تساوی‌های اساسی

۸۱ ■ حق آزادی اندیشه و بیان

۸۱ ۱. حوزه بایستگی و سربستگی

۸۱ الف) آزادی اندیشه

۸۲ ب) آزادی بیان

۸۳ ۲. حوزه تعامل و روابط

۸۸ ■ حق آموزش

۹۱ ■ حق رأی

۹۷ ■ حق برخورداری از امنیت

۹۸ ۱. مصونیت جانی (امنیت جانی)

۹۸ ۲. مصونیت آبرو

۹۹ ۳. مصونیت مالی

۱۰۰ ۴. مصونیت شغل

۱۰۰ ۵. مصونیت مسکن

۱۰۰ ۶. مصونیت عواطف و احساسات

۱۰۱ □ حق مالکیت و استقلال اقتصادی

فصل پنجم: شناخت مفهومی و ارزشی خشونت

۱۰۵ □ واژه خشونت

۱۰۶ □ مفهوم خشونت

۱۰۸ ۱. آزار

۱۰۹ ۲. آزار و رنج

۱۰۹ ۳. آسب

۱۱۱ ۴. قتل و عصب و زور

۱۱۲ □ اقدام خشونت

۱۱۳ ۱. خشونت درونی و بیرونی

۱۱۴ الف) خشونت کلامی

۱۱۴ ب) خشونت قلبی

۱۱۵ ج) خشونت گفتاری

۱۱۵ د) خشونت کرداری

۱۱۶ ۲. خشونت پنهان و آشکار

۱۱۶ ۳. خشونت کنشی و واکنشی

۱۱۷ ۴. خشونت مبتنی بر جنسیت

۱۱۷ الف) خشونت مردانه و زنانه

۱۱۹ ب) خشونت خانگی و خشونت اجتماعی

۱۲۰ □ ارزیابی مفهوم خشونت

۱۲۰ ۱. تعریف ارزش

۲. گونه‌شناسی مفاهیم و رفتارها از جنبه ارزشی ۱۲۱

۳. دخالت انگیزه کنش‌گر در ارزیابی رفتار ۱۲۴

۱۲۵ □ شرایط خشونت مجاز

فصل ششم: رسوم عرب جاهلی و وضعیت زنان

۱۳۱ □ درآمد

۱. مدت و رسم دخترکشی و زنده به گور کردن دختران ۱۳۴

۲. قرار بانیان ۱۳۸

۳. جنگ، ای، امارت، زنان ۱۳۸

۴. رسم پسرخوئی ۱۳۸

۵. نکاح شغار یا نکاح بایالی و قرار گرفتن دختر ۱۳۸

۶. شوهر دادن دختر حتی قبل از سرانجام ۱۳۹

۷. نکاح ضیّین ۱۳۹

۸. محرومیت از ارث ۱۳۹

۹. زن به عنوان دیه ۱۳۹

۱۰. تعدّد زوجات بدون محدودیت ۱۳۹

۱۱. طلاق جاهلی ۱۴۰

۱۲. عِدّه وفات ۱۴۰

۱۳. ظهار ۱۴۰

فصل هفتم: عطوفت در روابط انسان‌ها

۱۴۵ □ کرامت موهوبی

۱۴۶ □ کرامت اکتسابی

- ۱۴۸ ■ اصول سه‌گانه اخلاقی در روابط انسان‌ها
- ۱۵۴ ۱. اصل محبت و احسان‌کنشی
- ۱۵۷ الف) احسان
- ۱۶۰ ب) رفق و لین (هماهنگی و ملایمت)
- ۱۶۶ ج) حُسن خُلق (خوش اخلاقی)
- ۱۶۷ گونه‌شناسی مفهوم محبت
- ۱۶۸ ۲. اصل عفو و احسان و اکنشی
- ۱۶۹ ب) عفو و گذشت
- ۱۷۱ ب) احسان و اکنشی
- ۱۷۳ ۳. اصل عدالت و انصاف
- ۱۷۳ الف) تبدیل ناپذیر عدالت
- ۱۷۴ ب) برقراری عدالت به دست مردم
- ۱۷۵ ج) عدالت‌محوری و تقوای الهی
- ۱۷۵ د) بی‌حد و مرز بودن عدالت
- ۱۷۷ هـ) مفهوم عدالت و ملاک آن
- ۱۸۳ ■ ظلم و انواع آن از نظر اسلام
- ۱۸۳ ۱. زشتی و قباحیت ظلم
- ۱۸۵ الف) نفی مطلق ظلم از سوی خداوند به بندگان
- ۱۸۶ ب) تلخ‌ترین پی‌آمد ظلم
- ۱۸۶ ج) ظالمان یگانه منکران آیات الهی
- ۱۸۶ د) ظلم در قیامت

۱۸۷	هـ) ظلم و آثار آن در دنیا
۱۸۷	۲. انواع ظلم و بدترین نوع آن
۱۸۸	نتیجه
	فصل هشتم: اصول معاشرت با همسر
۱۹۱	■ درآمد
۱۹۲	■ آیت قرآن
۱۹۷	■ روایات
۱۹۷	۱. معاشرت مرد با همسرش
۱۹۷	الف) اکرام و گرامیداشت همسر
۱۹۸	ب) رابطه نیکو
۱۹۹	ج) مدارا، گذشت، صبر
۲۰۱	د) جزئیات و مصادیق اکرام و محبت به همسر
۲۰۷	۲. مشورت با زنان
۲۰۷	الف) صفات مشاور
۲۰۸	ب) مورد مشورت
۲۱۱	۳. غیرت نسبت به زنان
۲۱۳	۴. معاشرت زن با همسرش
۲۱۳	الف) نیکو شوهرداری
۲۱۳	ب) گرامیداشت شوهر
۲۱۴	ج) خدمت در خانه
۲۱۴	د) بهترین همسر

فصل نهم: نفی خشونت در حوزه معاشرت

- ۲۱۹ □ جایگاه منفی خشونت و گونه‌های آن
- ۲۲۰ ۱. خشونت مبعوض‌ترین اعمال
- ۲۲۰ ۲. خشونت سبب نابودی ایمان و خروج از اسلام
- ۲۲۱ ۳. خشونت نشانه بی‌عقلی و جنون
- ۲۲۱ ۴. جهنم جایگاه ستمگران و خشونت‌پیشگان
- ۲۲۱ ۵. برور و خشن نبودن مؤمن
- ۲۲۳ ۶. مهربانیت خشونت با حیوانات
- ۲۲۴ ۷. خشونت با محیط زیست
- ۲۲۵ □ مصادیق و گونه‌های خشونت (به صورت عام و خاص)
- ۲۲۶ ۱. مصادیق خشونت (مطلق اعم از گفتاری و کرداری)
- ۲۲۶ الف) آزار
- ۲۳۰ ب) اضرار و آسیب‌رسانی
- ۲۳۴ ج) بداخلاقی
- ۲۳۶ د) ترساندن، تهدید، اهانت
- ۲۴۱ ۲. مصادیق خشونت گفتاری
- ۲۴۱ الف) کارکرد زبان
- ۲۴۲ ب) کارکرد مثبت زبان
- ۲۴۳ ج) کارکرد منفی زبان و برخورد با آن
- ۲۵۴ ۳. مصادیق خشونت کرداری
- ۲۵۴ الف) زدن (سیلی و کتک)

۲۵۷	ب) دوری گزیدن و رها کردن
	فصل دهم: نفی خشونت در حوزه روابط زناشویی
۲۶۱	■ درآمد
۲۶۲	■ توجه دو طرف به نیاز جنسی یکدیگر
۲۶۴	■ به کارگیری تکنیک‌های جنسی و توجه به ارضای یکدیگر
۲۶۵	■ نزدیکی نامشروع، نزدیکی ناپسند
۲۶۵	۱. نزدیکی نامشروع (در زمان قاعدگی)
۲۶۶	۲. نزدیکی ناپسند
	فصل یازدهم: نفی خشونت در قانون
۲۷۱	■ درآمد
۲۷۴	■ نفی خشونت در قوانین و تأثیرات مرتبط با دو جنس
	فصل دوازدهم: تفاوت‌های قانونی و حقوق زن و شوهر
۲۸۱	■ درآمد
۲۸۲	■ جایگاه طلاق در اسلام
۲۸۳	۱. طلاق بر محور قانون
۲۸۴	۲. طلاق با روشی پسندیده و به همراه هدیه به زن
۲۸۵	۳. چرا حق طلاق به مرد داده شده است؟
۲۸۶	۴. حق طلاق یک طرفه مانع طرف دیگر نیست
	■ تفاوت در تک‌همسری و مسئله تعدد زوجات
۲۹۳	۱. شرط عدالت
۲۹۴	۲. شرط معاشرت به معروف

۲۹۵ ■ تفاوت در نشوز

۲۹۵ ۱. نشوز چیست؟

۲۹۵ ۲. نشوز ویژه زنان نیست

۲۹۶ ۳. نشوز در زن چگونه تحقق می‌یابد؟

۲۹۷ ۴. بررسی حکم زن ناشزه

۲۹۷ الف) تعهد عرفی و ضمنی طرفین در آغاز ازدواج

۲۹۸ ب) نفرت زن و مرد در سائق جنسی

۲۹۹ ج) لزوم پرداخت نفقه از سوی مرد به زن

۳۰۱ ۵. احکام زدن طلاق است یا مشروط؟

۳۰۲ ۶. نشوز مرد و زن

۳۰۴ ■ تفاوت در مدبریت و قوایت

۳۰۶ ۱. قوامون

۳۰۶ الف) معنای قوام در لغت

۳۰۸ ب) معنای قوام در فرهنگ دینی

۳۱۷ ■ کتاب‌نامه

□ سخن آغازین

هنگامی که به جهان طبیعت می‌نگریم، کتاب بزرگ هستی را مطالعه می‌کنیم، به ویژه آن گاه که با ابزار علم به این کاوش می‌پردازیم، چیزی جز حکمت، تدبیر، زیبایی، شگفتی و رازآمیزی نمی‌بینیم. این جهان هنگامی که به دنیای انسان‌ها قدم می‌نهد، زیبایی‌های رفتاری در آنان به همان رگه‌های الماس در معدن زغال سنگ نادر و کمیاب است و خشونت و شتم در همه اعصار و امصار مشهود و مشهور.

در این میان، نوری از جانب خدا همواره هشدار می‌دهد که ای انسان، چشم بگشا و ببین که جهان را زیبا آفریدم: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، و تو را نیز در زیباترین استعدادها پرداختم: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».

بنابراین، از زشتی‌های ظلم و خشونت و جهالت دوری گزین، که: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ»، و بدان که ضمانت این پرهیز و دوری گزیدن، قُرب من و بهشت جاوید است.

ناگفته پیداست که اگر باورهای دینی (خدا و روز جزا) نباشد، بشر ضرورت و توجیهی عقلانی برای دور شدن از زشتی‌ها در درون خود احساس نمی‌کند و جز لذت پرستی و خوش‌گذرانی در دنیا - گرچه با زیرپا نهادن ارزش‌های اخلاقی و انسانی باشد - نخواهد داشت. آری، این نور در دین الهی تجلی کرده است و پیام دین آن است که آفرینش در زیباترین صورت شکل گرفته است. پس ای انسان، توبه کن، سوی زیباترین رفتار حرکت کن: «لِيَلْبُوَكُمْ آيَاتُكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا».

اسلام که داعیه پیش‌دعوتی دارد با ظهورش در شورستان تمدن و اخلاق و انسانیت، گل‌های زیبای اخلاقی را پرورش داد: «إِذْ كُنْتُمْ أَغْدَاءَ فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ». اما پس از رفتن دعوت‌گوش، بامب رحمت و عدالت، چهره زیبای دین به دست همین انسان به مُحاق رفت و خاک‌بستی که هیچ پشتوانه دینی و علمی فراگیر نداشت، با ابزار دین چهره‌ای نازیبا را با اسلام و پیروان این آیین پاک و مهرورز ترسیم نمود.

در اینجا، به مناسبت، به دو گفتار از جانشینان و اعیان پیامبر ﷺ، که مردمان آن عصر با دوری از آنان خود و جامعه بشری را از معاد و حقایق دین و منطق آن دور ساختند، گوش جان می‌سپاریم:

امیرمؤمنان علیؑ فرمود: «حَتَّىٰ إِذَا قَبِضَ اللَّهُ رُسُولَهُ ﷺ رَجَعَ قَوْمٌ عَلَىٰ

الْأَعْقَابِ... وَنَقَلُوا الْبِنَاءَ عَنْ رِضَى أَساسِهِ فَبَنَوْهُ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ؛^۱ آن گاه که خداوند پیامبرش را به سوی خود بُرد، قوم به گذشته (جاهلی) خود برگشتند... و بنای (اسلامی) را از جایگاه خود تغییر دادند و در جای دیگری بنا نهادند.

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود فرمود: «أَمَّا عَلِمْتُ أَنَّ إِمَارَةَ بَنِي أُمَيَّةَ كَانَتْ السَّيْفَ وَالْعَسْفَ وَالْجَوْرَ وَأَنَّ إِمَامَتَنَا بِالرَّفْقِ وَالتَّالْفِ وَالْوَقَارِ وَالتَّقِيَّةِ وَحُسْنِ النُّظْمَةِ وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ فَرَعَّبُوا النَّاسَ فِي دِينِكُمْ وَفِي مَا أَنْتُمْ فِيهِ؟^۲

آیا نمی دانم که بنی امیه به شمشیر و بیراهه روی و ستم بود و همانا امامت ما به رفق و الفت و وقار و رابطه نیکو و پرهیزکاری و تلاش است؟ مردم را به سوی دینتاری افلاکمند سازید».

باری، این تغییر و این ظلم و خشونت و طغیان که به فرهنگ دینی و امامت وارد شد، در عرصه خانوادگی نیز تأثیر گذاشت. مخالفان اسلام نیز با تمسک به برخی احادیث بی اساس و نیز تفاسیلات ناروا و غرض ورزانه از متون دینی و خلط رفتار مسلمانان با آیین اسلام به تخریب چهره آن کمک کردند. لذا ضروری می نماید پرده های ابهام کنار رود و به پیام دین در عرصه روابط خانوادگی به درستی نگریسته شود و نگاه دین به شخصیت و جایگاه زن به دقت و اکاوی گردد. اسلام نه تنها با خشونت و ظلم مخالف است بلکه آموزه ها و توصیه هایش به منظور محو ظلم و خشونت از جامعه بشری خصوصاً در عرصه خانواده است. اسلام به محبت و احسان و عدالت در روابط بین انسان ها دعوت می کند که هدف اصلی این نوشتار تبیین و تثبیت همین مسئله است.

۱. نهج البلاغه، ص ۲۰۹ (خطبه ۱۵۰).

۲. بحار الأنوار ج ۶۶، ص ۱۷۰.

کتابی که فراروی خود دارید، حاصل پژوهشی است که در سال ۱۳۸۴ پیشنهاد آن را یکی از اعضای محترم هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به اینجانب دادند که در آن زمان در آن دانشکده به تدریس اشتغال داشتم. پس از اتمام تحقیق و نگارش، در مارس ۲۰۰۹ میلادی، کتاب حاضر به زبان انگلیسی با عنوان: «Review of Islamic Sharia with Regard to Elimination of Gender-Based Violence» ترجمه گردید.

و اینک پس از گذشت چندین سال، مؤسسه نور فاطمه زهرا (علیها السلام) به چاپ و نشر متن فارسی آن اقدام نموده است. برخورد لازم می دانم از تمام عزیزانی که در ترجمه، ویرایش، چاپ و نشر آن به دوزبان فارسی و انگلیسی اهتمام ورزیده اند، به ویژه از ویراستار محترم جناب آقای سید محمد بصام و مدیر عامل مؤسسه جناب آقای مهندس محمد بهر بهنوی، حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای موسی اسفندیاری (معاونت پژوهشی مؤسسه) تشکر و قدردانی نمایم.

محمد علی مجد فقیهی

بهار ۱۳۹۴ خورشیدی

□ مقدمه

دین اسلام مجموعه‌ای از شناخت‌ها در حوزه هستی‌ها، و برنامه‌ها در حوزه باید‌هاست که باید‌های آن بر شناخت‌ها مبتنی است. لذا رویکردش به اجتماع - در سطوح مختلف - و روابط درون آن به گونه‌ای رسا در مکاتب متمایز است. هدف اصلی اسلام در ارائه برنامه‌های خود صرفاً تنظیم روابط اجتماعی انسان‌ها نیست؛ اگرچه به آن هم توجه ویژه دارد و در جوی آن ارزشمند است، بلکه هدفش از رهگذر تنظیم روابط مبتنی بر عدالت، محبت، ارتقای شخصیت انسانی است، زیرا فلسفه آفرینش آنان این است که استعدادهای وجودی‌شان در بستر مناسب به فعلیت برسد و برای حضور

در محیطی با ارزش تر - که وصف دنائی دنیایی را نداشته باشد - آمادگی پیدا کنند. بر این اساس، زندگی دنیایی و زندگی اجتماعی (وجود انسان در دنیا و حضور وی در اجتماع) بستری است که انسان در آن آزمایش می شود، دارای ظرفیت می گردد، شکوفا می شود یا تنزل می یابد.

اسلام انسان ها را ابتدا به کسب دو فضیلت به نام «ایمان» و «عمل صالح» دعوت کرده و خواسته است که در مسیر زندگی خود، در دنیا، به کسب ایمان تقویت آن بپردازند و رفتارهای خویش را به نحوی شایسته انجام دهند؛ البته ایمان و عمل صالحی که اسلام به سوی آن فراخوانده است، دارای ویژگی هایی است که بدون آن ارتقای وجودی نمی یابد.

ایمان صرفاً اعتقاد به خدا و قیامت نیست، زیرا اعتقاد زمینه ساز حرکت تکاملی انسان است. انسان به خدا بسیار به چیزی معتقد باشند، ولی حرکت آنها برخلاف اعتقادشان باشد؛ بلکه ایمان دلبستگی به خداست، اما دلبستگی هایی که از شناخت و آگاهی حاصل شود. پس ایمان تقلیدی و بدون آگاهی ارزشمند نیست.

عمل صالح نیز عملی است که علاوه بر حسن نیتی باید حسن فاعلی نیز داشته باشد، یعنی هم بر اساس آزادی و اختیار انجام شود و هم با انگیزه های انسانی و الهی تحقق یابد؛ وگرنه از دید اسلام به شایسته بودن مرصوف نیست. شرایط زندگی در دنیا به گونه ای است که اعتقاد فرد و رفتار او همواره محک می خورد. چه بسا جریان های جاری در دنیا - از خوش و ناخوش - و تغییرات خوب و بد اجتماعی و خانوادگی، ایمان و عمل صالح را متزلزل یا متعالی کند. از این زوایه، خانواده، که در اسلام نهادی بسیار مقدس است و به تشکیل

آن تشویق شده است، یکی از بسترهایی است که علاوه بر رسیدن به اهداف موقتی (دنیاوی) مانند مودّت و محبت، تولید مثل، تربیت صحیح فرزندان و جلوگیری از انحراف های اجتماعی، باید به پرورش و دستیابی به اهداف برتری چون کمال معنوی و روحی افراد و شکوفایی آنان در بُعد ایمان و عمل صالح نیز منتهی شود.

در این نوشتار، چنانکه از نام آن برمی آید، تلاش می شود تا نگرگاه اسلام در زمینه ضرورت برقراری روابط مبتنی بر عطف و مودّت - که زندگی را بهاری و برای شکوفایی آماده می سازد - و نیز نفی و امحای هر گونه خشونت - که خزان کننده زندگی انسان ها است - را تحلیل مفهوم خشونت ارائه گردد.

در بحث خشونت، اشاره خواهد شد که طبیعت ایمان و عمل صالح با خشونت سازگار نیست؛ زیرا ایمان به خدایی که در تفکر اسلامی عادل و یاور مظلوم است و به اندازه ذره ای ظلم نمی کند، منتهی ایمان به معاد که انسان را به موجودی مسئول و پاسخگو در برابر اعمالش تبدیل می سازد و نتیجه اعمال بد و ناپسندش را می بیند، بی تردید مانع اعتقادی و دینی از بروز هر نوع ظلم و خشونت خواهد شد. عمل صالح نیز مانعی عملی است از اعمال و رفتارهای زشت و مورد غضب الهی باز می دارد.

نیز با تبیین اصول سه گانه در معاشرت، رفتارهای شایسته ای که اسلام از انسان ها در حوزه روابط با هم نوع خواسته است، بیان شده است. اصل محبت و احسان کنشی و اصل عفو و احسان واکنشی همان عمل صالح در روابط اجتماعی است که اگر غیر آن باشد، فرد از مسلمان حقیقی بودن خارج می شود؛ زیرا شناسنامه مسلمان را ایمان و عمل صالح تشکیل می دهد.

گفتنی است، به دلیل کلی‌گویی‌ها و سوء برداشت‌هایی که از برخی گزاره‌های اسلامی شده است، بحث تساوی و تفاوت زن و مرد در فصول آغازین طرح خواهد شد. نتیجه این خواهد بود که پرداختن به گزاره تساوی و تفاوت بین زن و مرد گره‌گشا نیست و به تنهایی حامل بهبودی روابط زن و مرد نخواهد بود. آنچه مهم است، عدالت و محبت است که اصالت دارد و در روابط طرفین معیار است. تساوی و تفاوت، هم می‌توانند زمینه‌ساز خشونت و ظلم شوند و هم می‌توانند زمینه‌ساز مودت و محبت گردند. اما باید دید «تساوی» در چه چیز و «تفاوت» در چه می‌یاری زمینه‌سازی می‌کند. لذا در نهایت، تساوی نسبی پذیرفته می‌شود و این خواهد شد که تفاوت‌های اندک و ضروری در حوزه تکوین از دید اسلام نباید نشانه تحمیل و نه در شخصیت زن و نه زمینه‌ساز ستم گردد، بلکه این تفاوت‌ها در نظام تربیت عام، کم‌کم و جاذبه طرفین است و می‌تواند منشأ بهبود روابط گردد. آنچه مهم است، برخوردها و نگاه‌ها نسبت به تفاوت‌هاست که مفصلاً بررسی می‌گردد.

در فصل مربوط به خشونت، ضمن تعریف خشونت به آزار یا آسیب همراه با قهر و غلبه و زور و بیان اقسام خشونت، به بحث با عنوان «شرایط خشونت مجاز» پرداخته می‌شود که این شرایط برای مطلق خشونت است و بیشتر سطح کلان جامعه در نظر بوده است نه خشونت خانگی. لذا در «مباحث خانگی»، با توجه به اصول سه‌گانه و آیات و روایات موجود، خشونت مجاز نیست.

یکی از مباحث این کتاب، بیان اصول سه‌گانه اسلام در روابط است. نتیجه‌ای که از بیان این سه اصل به دست می‌آید، این است که اسلام خواستار آن است که انسان‌ها یکدیگر را دوست بدارند و بر یکدیگر تفاخر و ظلم روا ندارند. همه از یک

اصل وریشه هستند و تکامل انسان‌ها در گرو دیگرخواهی و یک‌پیکره بودن است. محصول چنین محبتی احسان و نیکی به یکدیگر کردن و قدردانی و تشکر و جلب محبت است.

بر اساس اصل دوم، که اصل عفو و احسان و اکنشی است، گذشت کردن و مقابله به زکوة و آثار سازنده آن و تأثیرگذاری چنین رفتاری در بهبود روابط و ارزش آن در ارتفع اخلاقی فرد مطلبی بوده که از آیات و روایات متعددی که ذکر شد استفاده گردیده است. در واقع، این اصول سه‌گانه زیرساخت‌ها و اهداف اصلی در روابط انسان‌ها هستند. هر یک ساختار، اعم از حقوق و تکلیف، اگر بر چنین زیرساختی مبتنی نباشد یا به چنین مبداء منتهی نشود، در اسلامی بودن آن باید تردید کرد. دیگر آنکه، با حاکمیت این اصول در روابط انسانی، آن هم به طریق اولویت، جایگاهی برای خشونت اقی می‌ماند.

در پی بیان اصول سه‌گانه، به انطباق آن با «خانوادگی با عنوان» اصول معاشرت با همسر» پرداخته شد. آیه ۲۱ سوره روم، که خواستار مودت و رحمت در میان زوجین بود و آیه ۱۹ سوره نسا، که در آن به مردان به «معاشرت به معروف» دستور اکید داده بود، دو اصل حاکم بر تمام گزاره‌های حقوقی و فقهی و وظایف زوجین نسبت به یکدیگر معرفی شد؛ به طوری که هر چه با این دو دستور در تعارض باشد، علی‌القاعده، خواست اسلام نبوده است. نیز ذکر مصادیق خشونت و استناد به آیات و روایاتی در زمینه حرمت و نکوهش انواع خشونت، اشاره شد که برخی از انواع خشونت‌ها در اسلام نه تنها مذمت شده که برای آن مجازاتی نیز در نظر گرفته شده است.

از طرح اصول معاشرت (روابط زناشویی) نیز چنین نتیجه گرفته می‌شود

که نباید نزدیکی در فضای متجاوزانه باشد و نباید احساسات طرفین در چنین ارتباطی مخدوش و لکه دار گردد.

همچنین، با بررسی مسئله نشوز نشان داده شد که ناشزه به هرزنی که تمکین نکند نمی‌گویند، بلکه به زنی می‌گویند که بدون دلیل منطقی و شرعی تمکین نمی‌کند و با راهکارهای لازم از قبیل گفت‌وگو و محبت دست از نشوز برنمی‌دارد. لذا برای آنکه نشوز او در خانواده به بحران منجر نشود، راهکارهای گوناگون پیشنهاد شد. از طرفی، ارائه این راهکارها برای آن است که در فرض و حالت نشوز، زار و زاری برقرار نشود، زیرا ممکن است نوعی تجاوز قلمداد گردد؛ بلکه پس از تحلیل و ارتباط برقرار شود.

از طرفی، از جوار عدم پرداخت نفقه در زمان نشوز نباید چنین در ذهن مخاطب القا شود که زن به اینه اینای جنسی مرد است؛ زیرا این نفقه در زمان پیری یا زمانی که این ربط به دلیل‌های شرعی و عقلی امکان‌پذیر نیست، باز بر عهده مرد است. عدم پرداخت نفقه در اسلام اخلاقی، حتی با فرض نشوز، امکان ندارد، زیرا نفقه حق است و تکلیف. لذا زنی که با عدم تمکین نامعقول قصد آزار همسرش را دارد، چگونه او احسان می‌طلبد؟ البته مواردی که زن به دلیل عدم آمادگی روحی مایل به ارتباط نیست، ناشزه نخواهد بود. حداقل آنکه، چنین زنی با راهکارهای عقلی و عاطفی قطعاً تمایل پیدا خواهد کرد.

خلاصه آنکه، نشوز مطلق عدم تمکین نیست و نزدیکی کردن پس از برطرف شدن نشوز، با اعمال و راهکارهای مناسب، در عرف هیچ جامعه‌ای تجاوز به شمار نمی‌آید.

پس از بیان نفی خشونت در روابط، به نفی خشونت در قانون پرداخته شده و بیان گشته است که قوانین اسلام علاوه بر آنکه بر اصل عدم تحمیل مبتنی است، در شکل اجرایی و امتثالی نیز سهل و آسان است.

در بخش تفاوت های حقوقی، با بیان حکمت و اساس تشریع که به منظور تنظیم رابطۀ سالم و صعود شخصیتی انسان هاست، نتیجه چنین می شود که گزاره های دینی باید بر اساس فرهنگ دینی قرائت شود. نیز گزاره های حقوقی متفاوت مشتمل بر چهارچوب شرع و قانون و بر اساس معاشرت به معروف تشریع شده است. مثلاً حق طلاق معنایش دادن اختیار تام به مرد نیست و نباید به سمت کردن به زن منجر شود؛ بلکه با حدود و شرایط و با توجه به گزاره ها و وظایف دیگری که وجود دارد، چنین حقی به وی داده شده است. لذا با وجود چنین حقی، زن متقلاً در فاساد عسر و حرج قرار نخواهد گرفت. مسئله مدیریت و قوامیت نیز، تفکری معادل مردسالاری نیست که زمینه ساز خشونت شود؛ بلکه قوامیت در فرهنگ دینی نوعی مدیریت دلسوزانه و مهرآورانه است.

جان کلام آنکه، در آموزه های دین اسلام، برای سهم، تبعیض و خشونت ناروا هیچ گونه مجوزی وجود ندارد.